

بواسطه آقا میرزا محسن زائر علیہ بہاء اللہ

الابہی، ...

حضرت عبدالہاء

نسخہ اصل فارسی



بواسطه آقا میرزا محسن زائر علیہ بہاء اللہ
الابہی، جناب میرزا عبدالحسین سلیل، سید
محسن و جناب عبدالوہاب ناجی نجل سید
محسن علیہما بہاء اللہ الابہی

هو الله

ای دو یادگار دو نفس بزرگوار، حضرت عبدالمجید و حضرت سید محسن این دو نفس مبارک را آنچه ستایش کم حقیقت اینست کہ از عہدہ برنیایم. هر دو را جمال مبارک تبلیغ فرمودہ بنفحات روح القدس زندہ شدند و در عراق چون جبل راسخ ثابت و رزین و رصین بودند. یک منقبت حضرت عبدالمجید را ذکر مینمایم. پسرش عبدالوہاب شمع اصحاب بود و برقی ساطع از سحاب در سفر اول حضرت مقصود بعراق عرب بشرف لقا فائز. پسر استدعای ہدایت پدر نمود حضرت عبدالمجید بجزء تشرف بحضور ربّ غفور مانند شمع برافروخت و بایمان فائز و چون جمال قدیم مراجعت بطهران فرمودند



ORIGINAL



AUDIO

بمیرزا عبدالوہاب امر کردند کہ چون پسر وحیدی باید در نزد پدر بمانی و چنانست کہ ہمسفر با من باشی و چون حضرت مقصود بطهران رجوع فرمودند ایامی نگذشت کہ نائزہ عشق در قلب آن جوان چنان شعلہ زد کہ صبر و قرار نماند. پدر بزرگوار گفت ای پسر ہر چند مرا نور بصری و حیات جان پروری آنی تحمل فرقت تو ندارم ولی نمیتوانم این پروانہ را از شمع آفاق محروم نمایم فوراً عزم طهران کن. آن جوان رقص کمان وارد طهران گشت و بجزد ورود دستگیر شد و بزیر زنجیر رفت زیرا واقعہ مولہ شاہ واقع و در سجن مبارک بشرف لقا فائز شد بعد از چند روز میر غضب وارد زندان شد و آن معدن اسرار را پپای دار دعوت کرد. آنجوان نورانی برخاست و رقصی در نہایت سرور در پیشگاہ حضور نمود بعد دست مبارکرا بوسید و بایاران مسجون دست در آغوش شد و رسم وداع مجری داشت و بقربانگاہ عشق شتافت و در کمال سرور و جبور جان بباخت. این خبر وحشت اثر چون بگوش پدر رسید آن پیر سانخورده سر بسجود آورد و بشہادت پسر شادمانی و طرب و شکر نامتناہی نمود. این یک منقبت از مناقب آن بزرگوارست جمیع اوقات خویشرا بتحمل صدمات و مشقتات میگذراند و عاقبت سرگون شد و در اسیری جان بجانان تسلیم نمود.

و اما حضرت آقا سید محسن در عراق بود و بشرف حضور نیر آفاق مشرف گشت و مدت حیات جان فشان بود و سبب ہدایت نفوس عدیدہ گشت صبور و حلیم بود و شکور و مستقیم تا آنکہ سرگون بحدباء گشت و در اسیری تحمل فراق نمود. در نہایت فقر پیادہ در کمال شوق مناجات کمان از حدباء عازم عکاء شد تحمل صدمات راہ نمود. صحراہا را پیادہ پیود. بی زاد و توشہ در نہایت شوق جان بباخت. حال شما یادگار آن دو بزرگوارید ہمیشہ در خاطرید و این دو زفاف جدید مبارکست متیمنست مسعود است پر شگونست از الطاف حضرت مقصود امید چنانست کہ خاندان آن دو بزرگوار الی ابد الآباد مسعود و مبارک و متیمن باشند. جناب میرزا محسن الحمد لله محفوظاً مصوناً وارد و بآنچہ منتهی آمال مقربین است یعنی تقبیل آستان مقدس فائز. اجازہ حضور خواستہ بودند مأذونید و علیکم البہاء الابہی حیفا ۱۰ ربیع الثانی سنۃ ۱۳۳۸ عبدالہباء عباس

